

مصادیق شعر جدولی در هنرهای هفتگانه

نصرت کریمی

۳۸

به نام آفریننده آثار جاودان هنری

دهباشی عزیز، دوره جدید مجله به نام (بخارا) را به شما فرزانه‌ی خستگی‌ناپذیر تبریک می‌گویم. هنوز فرصت نکردم تمام مقالات مجله وزین شما را مطالعه کنم. اما همان مقاله (شعر جدولی) نوشته شفیع‌کدکنی دوست‌داشتنی کافیست که سطح والای مجله‌ی (بخارا) را برای دوست‌داران شعر و ادب مشخص کند.

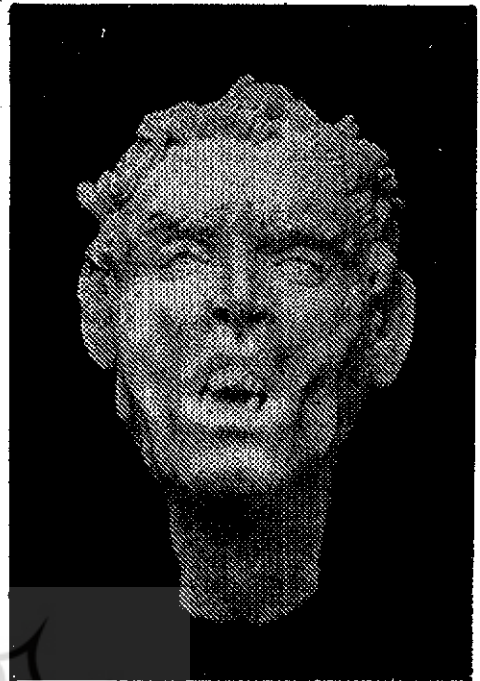
بیش از نیم‌قرن است که جانبداران شعر سنتی فارسی با طرفداران شعر نو نیمیانی جدل و گفتگو دارند. دوست‌داران شعر فارسی مثل نگارنده، نیم‌قرن حیران و سرگردان نظاره‌گر این جنگ حیدری و نعمتی بوده‌اند. این دعوای ادبی به قاضی صالح، عادل و بی‌طرفی نیازمند بود تا بصیرانه مشکل‌گشائی کند و برای همیشه پرونده را به بایگانی تاریخ بسپرد. استاد ارجمند و فرهیخته شفیع‌کدکنی به حق بر این کرسی قضاوت نشسته است.

کار آسانی نیست. مقاله استاد ریشه در شناخت عمیق و همه‌جانبه‌ی شعر فارسی دارد با قدمت بیش از هزار سال. استاد خود یکی از شعرای مطرح معاصر است که به شیوه سنتی و نوین آثار ماندگار خلق کرده است. او معلمی دانا است که می‌داند چگونه بگوید تا بی‌بضاعتی مثل مرا هم به سطح دانائی برساند. زحمت استاد و حمیت شما را سپاس می‌گویم.

به نظر نگارنده (شعر جدولی) در تمام هنرهای هفتگانه مصداق دارد. سینماگر مؤلف مساویست با شاعر و فیلمساز برابر شعرساز است. در هنر نگارگری نقاش خلاق داریم و



○ دهن کجی اسب

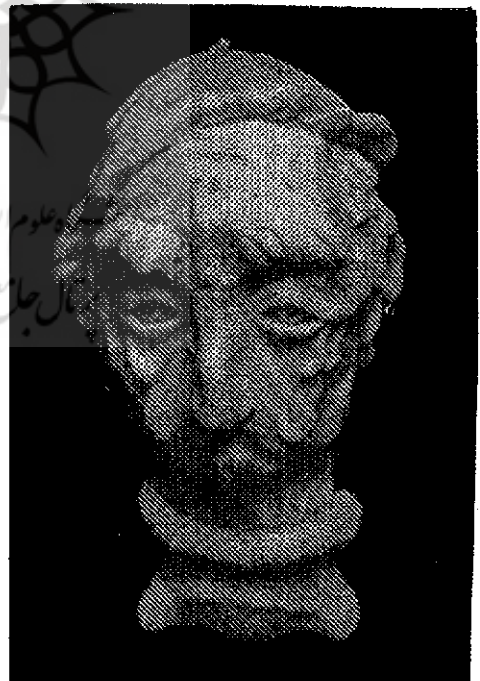


○ دونده

۳۹



○ هره و کره



○ حقوق بازنشستگی در تورم

تابلوساز. به این طریق در مجسمه‌سازی، تاتر، باله و موسیقی نیز نظریه استاد شفیمی‌کدکنی قابل تمعیم است.

برای این که نظریه بصیرانه استاد شفیمی‌کدکنی را به‌طور ملموس و عینی ارائه دهم از تجربه خویش در زمینه مجسمه‌سازی مدد می‌گیرم. در مدت تیم‌قرن به‌طور تفننی بیش از پانصد مجسمه ساخته‌ام. بعضی از آن‌ها را به مدد الهام اشراقی با عشق و احساس و برخی را با حساسگری عقلانی ساخته‌ام. عقلانی‌ها که گاه وقت و زحمت بیشتری هم از من ربوده‌اند خشک و بی‌روح هستند. احساسی‌ها که اغلب به سرعت ساخته شده‌اند، پنداری با انسان حرف می‌زنند. هر دو نوع دارای شخصیت و خصوصیات اخلاقی خاص هستند و در اجرا از توان فنی یکسانی برخوردار می‌باشند ولی یکی خشک و بی‌روح است و دیگری با تماشاگر بده بستان روحی برقرار می‌کند. زنده‌یاد غلامحسین ساعدی می‌گفت: «بعضی از این کارها چنان به آدم نگاه می‌کنند که هوس می‌کنم یک سیگار برایشان آتش بزنم.» این مقوله ارتباطی به سبک هنری ندارد. مجسمه کلاسیک، امپرسیونیستی، اکسپرسیونیستی، استیلیزه مدرن و یا کاریکاتور می‌تواند با روح یا بی‌روح باشد. این بستگی دارد به حال و هوای هنرمند در حین آفرینش. آیا در هنگام آفرینش هنری از نیم‌کره عقلانی مغز خویش مدد می‌گیرد، یا سوار بر امواج الهام اشراقی نیم‌کره احساسی دست به آفرینش هنری می‌زند. وظیفه نیم‌کره عقلانی جلب منفعت و دفع ضرر است که در اقتصاد، سیاست، روابط عمومی و زندگی روزمره به ما مدد می‌رساند. اما در آفرینش هنری مزاحمی بیش نیست. البته تمام هنرها دارای تکنیک و فوت و فنی آموختنی است که هنرمند باید به آن مسلط باشد. اما در حین آفرینش، به فوت و فن و تکنیک هرگز نباید بیندیشد. افلاطون در این مورد مطلب مختصر و مفیدی دارد:

«فقط آن هنگام سرچشمه الهام و آفرینش هنرمند تجلی می‌کند، که احساس خویش را از بند حساسگری‌های عقل رهائی بخشد...»

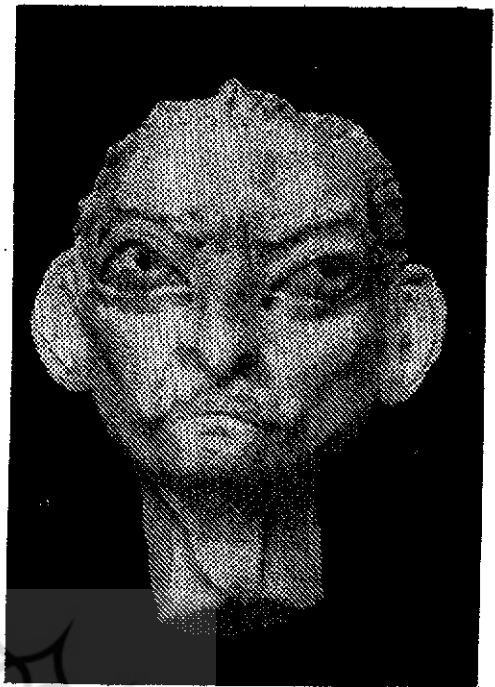
حافظ شیرین سخن چه خوب گفت:

«ماقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند که در این دایره سرگردانند»

به پیوست چهار نمونه احساسی و چهار نمونه عقلانی از تصاویر مجسمه‌هایم را که به زودی با صد و چهل اثر به صورت آلبوم منتشر خواهد شد ارسال می‌دارم تا خوانندگان محترم مجله وزین بخارا به‌طور عینی و ملموس نظریه استادانه جناب شفیمی‌کدکنی را ملاحظه فرمایند.

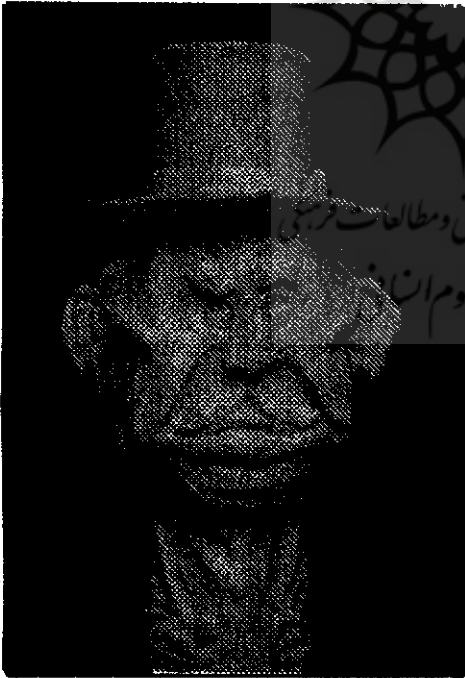


● کالباس فروش ارمنی

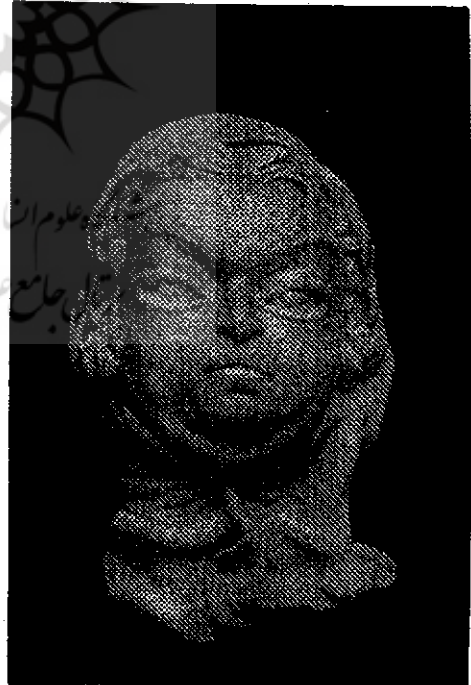


● از مجارستان

۴۱



● رام کننده حیوانات وحشی



● علیامخدره قجری